

# آوای پارسه

الکساندر مقدونی  
حقایق ناگفته تاریخ

نوشته:

مهدی زارع (م. آرام) - غلامرضا برومند

انتشارات نوید شیراز



|                    |                                           |
|--------------------|-------------------------------------------|
| سرشناسه            | زارع، مهدی، ۱۳۵۷ -                        |
| عنوان و پدیدآور    | آوای پارسه / م. آرام، غلامرضا برومند.     |
| مشخصات نشر         | شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۶                   |
| مشخصات ظاهری       | ۱۵۲ ص.                                    |
| شابک               | ISBN :964-358-508-5                       |
| یادداشت            | فیبا                                      |
| موضوع              | داستانهای تاریخی -- قرن ۱۴.               |
| موضوع              | ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام -- داستان. |
| موضوع              | ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام.           |
| شناسه افزوده       | برومندی، غلامرضا، ۱۳۵۶ -                  |
| رده‌بندی کنگره     | DSR۱۴۱/ز۲۱۹                               |
| رده‌بندی دیویی     | ۹۵۵/۰۱۰                                   |
| شماره کتابخانه ملی | ۸۵-۳۷۶۱۲ م                                |



## آوای پارسه

نوشته: مهدی زارع - غلامرضا برومند

گرافیک: کانون تبلیغات کلید □ لیتوگرافی: واصف □ چاپ: ستاره □ تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

□ چاپ اول: ۱۳۸۶ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن ۶۲-۲۲۲۶۶۶۱-۲۲۲۹۶۷۶-۰۷۱۱ ص.پ: ۷۱۲۶۵/۶۶۶

دفتر تهران - تلفن/نمابر ۸۸۹۰۵۹۳۵ - ۲۱

پست الکترونیکی: [navidshiraz@navidshiraz-pub.com](mailto:navidshiraz@navidshiraz-pub.com)

وب سایت: [www.navidshiraz-pub.com](http://www.navidshiraz-pub.com)

ISBN :964-358-508-5

شابک: ۵-۵۰۸-۳۵۸-۹۶۴

## پیشگفتار :

تاریخ ایران زمین در دوران باستان و قبل از میلاد، در برخی ادوار، دارای تردیدها و آشفتگیهایی است که متأسفانه با برداشت کورکورانه ای که از سوی مورخان غربی همراه بوده ، چیزی جز واقعیت به ذهن ایرانیان القاء کرده که حتی در کتب دوره های دبستان، راهنمایی ، متوسطه ، دانشگاهی و حتی فراتر از آن، به وفور یافت می شود . از این جمله، می توان به شرح وقایع تاریخ جنگهای نوجوانی یونانی ، با نام «الکساندر مقدونی» فرزند فیلیپ اشاره کرد که در تواریخ ، وی را به عنوان اسکندر مقدونی قید کرده اند ، بی آنکه نویسندگان این قبیل وقایع، به اصل و ماهیت شخصیتی و اصالتی این سردار یونانی پرداخته باشند . اولین نکته جالب توجه در اینگونه مطالب، نام « الکساندر مقدونی » است که :

یونانیان باستان بعضاً در نگارشهای تاریخی، سعی می کرده اند اسامی محل ها، ملل و نامهای مستعار افراد سرزمینهای مختلف را، به واژه یونانی برگردانده و وقایع را با لغات و الفاظ یونانی بیارایند . اما آیا به راستی تا حال کسی به این موضوع اندیشیده که چرا نام یونانی سردار مقدونی، از لفظ یونانی به چیزی حد فاصل پارسی و یونانی بازگردانده شده و حتی در کتب غرب نیز ، وی را با نام « اسکندر کبیر » درج می کنند ؟ ممکن است عده ای بر این باور باشند که «اسکندر» بازگردانده شده نام «الکساندر» به پارسی باشد ، اما آنچه در تاریخ مبروز می نماید، این است که «اسکندر» نه نام یونانیست و نه ایرانی . پس آیا اقوام دیگری در نامگذاری این

اسطوره دست داشته اند ؟ جواب، چیزی نیست جز تأثیر عقده های روانی یونانیانی که همواره با غلو کردن تاریخ، سعی در بهتر جلوه دادن خود بوده اند و حتی در انتخاب جهانگشای ناکام خویش ! نیز، از اسطوره های ایرانی یاری جسته اند تا اولاً : جهانگشایان ایرانی را محو ، و ثانیاً : با ادله اغراق گونه، جهانگشای دروغین خویش را از خدایان فرض نمایند .

در این خصوص، ذکر دو نکته بسیار الزامیست . نکته اول اینکه : پیرامون افراد نامی و معروف هر قوم ، داستانها و افسانه هایی ساخته می شود که حتی ممکن است این افراد جزء شخصیت های مذهبی و دینی آن قوم باشند .

و نکته دوم : در نقل سینه به سینه و یا حتی نوشتاری داستانها و افسانه ها گاهی گوینده یا نویسنده ، عمدی یا سهوی شخصیت داستان یا افسانه را دیگرگون می کند و عمدتاً دلیل اصلی این اتفاق این است که برای نویسنده ، خود داستان مهم بوده و شخصیت فرقی نمی کرده است . هر چند داستانی تخیلی و دور از حقیقت باشد . حال به روند شکل گیری نام «الکساندر مقدونی» از بطن جهانگشای راستین ایران در زمان «الکساندر» یعنی «اُکساندر مُغانی» و «اسکندر حقیقی» یا به قول خود یونانیان «اُکساندرِس» بنگرید تا تردیدها ، برای شما برطرف گردد :

**اُکساندر مُغانی ،،، اُسکاندر مُغونی ،،، اسکاندر مقونی ،،، اسکندر مقدونی ،،،**

همانطور که می بینید، این نام هم به الکساندر و هم به اسکندر نزدیک می باشد . و به همین سادگی ، مرور سالها و آشفتگی نظام اقتصادی ، سیاسی و نظامی در اواخر دوران هخامنشیان ، موجب خلق اسطوره ای پوشالین با نام «اسکندر مقدونی» می گردد .

نکته جالب توجه دیگر اینکه تمام تواریخ موجود ، مربوط به دوران باستان و کشور گشایی «الکساندر» ، در کشور ما ، برگرفته از تاریخ نگاران یونانی آن زمان و پس از آن است ، و در بعضی مراحل، حتی یک خط یا نسخه از نگارندگان ایرانی به چشم نمی خورد . آنگونه که استاد «ذبیح الله منصوری» در ترجمه سرزمین جاوید ، عنوان می کند که در جنگ «ایسوس» یا «گوگمل» ، هیچ سند ایرانی در دسترس نیست و تمام اسناد مربوط به نوشته های یونانیان است . همین ذهنیتهای نادرست از سوی مورخان یونانی که به گونه ای به تاریخ سراسر شکوه ایران خیانت کرده اند، و اکتفا به آن از سوی ما ، باعث می شود نسل کنونی کشور ما نیز در قرن حاضر ، بنا بر استدلال های مُعرضانه آنها، حقایقی را باور کنند که هیچ از حقانیت آن مطمئن نیستند .

این، به تاریخ نگاران یونانی بر میگرده که سعی کرده اند با وقایع اغراق گونه، تمام ناکامیهای سردار مغلوبه خود را به فتوحات و جنگاوریهای دلاورانه و اسطوره ای جا بزنند . حال اینکه خود

نیز از آنچه به دغل می نوشته اند، آگاه بودند. مثلاً در کتب تاریخی یونانیان آورده شده که تخت جمشید را «اسکندر مقدونی» به آتش کشید و نابود ساخت. اما در همین راستا، شواهد و دلایلی ارائه گردیده که پارسه، حتی در زمان ساسانیان یعنی سالها پس از مرگ «الکساندر»، مورد استفاده و بهره برداری قرار می گرفته است. واقعیت این است که یونانیان در جریان جنگهای تاریخی با سلاطین ایران، به قدری زبون، خوار و حقیر شده بودند که مورخان از نگارش آنهمه خواری در عجب مانده بودند. تا اینکه بختشان یار کرد و دوره ای در حدود پنجاه تا شصت سال، در زمان انقراض حکومت هخامنشیان و آشفتگی شدید اوضاع ایران به آنها دست داد تا تاریخ این دوره کوتاه را به نام خود رقم زده و با خلق اسطوره ای ناکام، تمام حقایق را با اغراقهای خود بیوشانند. غافل از اینکه ماه، هیچگاه زیر ابر پنهان نخواهد ماند و تاریخ هر چه باشد، سرانجام دروغها را فاش و حقایق را برملا می سازد. آنگونه که در زمان ساسانیان، تاریخ بار دیگر صادقانه به حقیقت گواه داد و یونان، خاک پای سلاطین ایران گردید ...

«بی شک، پاره ای افراد با دلالت بر آنچه از سالیان گذشته و زمان کسب موجودیت خود، در گوششان خوانده اند، ممکن است بهتان دروغ و هجو گویی کتاب حاضر را در سر پیورانند و همچنان دربندِ حدیثیات و تردیدها بمانند؛ که در این صورت، هیئات و واویلا که این بهتان و تردید را می بایست به سالها سال پیش از این بر دروغ نگاران تاریخ جاودان وطن دلالت بندند و امروز با دفاع از دروغ، پابندی اصالت خویش را به باد اوهام نگیرند. بیائیم خود باثیم و حامی خویش و هم کیش ...»

مجموعه حاضر که شامل سه جلد مجزا، اما پیوسته با عناوین (الکساندر مقدونی، آگساندر (اسکندر) مغانی و سلوکس اشکانی) می باشد، دریچه ایست نو در قبال ابهامات تاریخی اغراق آمیز، که سعی دارد به ستیز بر علیه آنچه یونانیان در حقیر و خوار نشان دادن ایران زمین و تاریخ پر فروغ سلاطین نام آور آن نگاشته اند، برخیزد. و نیز پاسخی است به دو فیلم بحث برانگیز سینمای تاریخ، یکی ۳۰۰ و دیگری الکساندر مقدونی. باشد که حقایقی ناگفته، از این منظر سرچشمه گرفته، تاریخ را از لوث دروغ بیالاید، و به پیوست آن: شما پارسیان گراندرد خاک مقدس و جاودانه ایران زمین، ذهن را به غیر راستی آزین نبندید و به پاسداری از ارزشهای وزین تاریخ ایران عزیز از کهن تا حاضر پرداخته، بزرگ منشی و اصالت

ایرانیان را چنان در جهان گسترش و پرورش دهید که در ذهن کودکان ، نوجوانان ، جوانان و سایر اقشار مردم پاک وطن ، این حقیقت نمایان شود که :

ایران ، نگین گران بهای انگشتی دنیاست و ایرانیان ، سروان و نیک پروران

عالم و عالمیان ...

«تقدیم به تمامی جوانان غیرتمند و پاک نژاد ایران زمین»

با سپاس فراوان

نویسندگان

توجه : «سرفصلهای کتاب ، بنا بر ماههای

دوازده گانه ایران و مظاهر اهورائی

زمان باستان نگاشته شده است .»

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                            |
|------|----------------------------------|
| ۹    | میثر (مهر)                       |
| ۱۵   | آناهیت (آبان)                    |
| ۲۷   | آتر آتش (آذر)                    |
| ۳۷   | اهورمزد (دزو، دی)                |
| ۳۹   | وهومنه (وهمن، بهمن)              |
| ۶۳   | سپنتا آرمیتی (سپند آرمزد، اسفند) |
| ۸۱   | فروشیها (فروردین)                |
| ۹۳   | اش و هشت (اردیبهشت)              |
| ۱۰۵  | هوروات (خرداد)                   |
| ۱۱۹  | تشتیری (تیر)                     |
| ۱۳۱  | آمرتات (مرداد)                   |
| ۱۳۹  | خشتیر ویریا (شهریور)             |